

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تهران

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

عنوان:

اخلاق کرب در آمد و هزینه از دیدگاه قرآن و روایات

نگارش:

جعفر نامور

استاد راهنما:

دکتر محمد ادیبی مهر

استاد مشاور:

حجت الاسلام سید محمد محمودی گلپایگانی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در

رشته مدرسی معارف اسلامی

تیر ماه ۱۳۸۸

یاد و سپاس

با حمد و سپاس بی پایان از خدای یگانه و با درود به روان پاک رسول اکرم (ص) و ائمه معصومین (علیهم السلام) و با سلام به روح ملکوتی امام عظیم الشان و تقدیر و تشکر از همه اساتیدی که در طول تحصیل از محضرشان فیض برده ام و تشکر و قدردانی می کنم از استاد راهنما و مشاورم جناب آقایان دکتر محمد ادیبی مهر و حجت الاسلام سید محمد محمودی گلپایگانی که در این پژوهش از راهنمایی و مشاوره ایشان بهره مند بودم.

چکیده

بی‌شک اقتصاد تاثیر مهم در پیشرفت جوامع دارد و رشد و پیشرفت اقتصادی همراه با سالم سازی فعالیتها از اهداف مهم نظام اقتصاد اسلامی است. این پژوهش بر آن است که اصول اخلاقی حاکم بر کسب درآمد و هزینه را از دیدگاه قرآن و روایات، مورد بررسی قرار داده و معرفی نماید. این پژوهش در سه فصل تنظیم شده است؛ در فصل اول به کلیات و مبانی تحقیق پرداخته شده است. فصل دوم به اخلاق کسب درآمد اختصاص دارد. در فصل سوم اخلاق هزینه مورد بررسی قرار گرفته است.

فهرست مطالب

۳	یاد و سپاس.....
۳	چکیده.....
۴	چکیده.....
۱	مقدمه.....
۱	الف: طرح مسئله.....
۱	ب: ضرورت تحقیق.....
۱	ج: هدف.....
۱	د: سوال اصلی:.....
۲	ه: سوالات فرعی:.....
۲	و: فرضیه‌ها.....
۲	ز: پیشینه موضوع:.....
۴	فصل اول: کلیات و مبانی تحقیق.....
۴	۱. مفهوم اخلاق.....
۴	۲. مفهوم اقتصاد.....
۵	۳. علم اقتصاد.....
۵	۴. مکتب اقتصادی.....
۶	۵. حقوق اقتصادی.....
۶	۶. نظام اقتصادی.....
۷	۷. اقتصاد اسلامی.....
۷	۸. رابطه دین و اخلاق.....
۸	۹. رابطه فقه و اخلاق.....
۹	۱۰. رابطه دین و اقتصاد.....
۱۰	۱۱. رابطه اخلاق و اقتصاد.....
۱۱	۱۱-۱. مبانی نظریه جدایی اخلاق از اقتصاد و نقد آن.....
۱۲	۱۲. مفاهیم مبنایی مکتب اقتصادی اسلام.....

۱۲-۱. مفهوم سود و ثروت.....	۱۲
الف: سود و ثروت طلبی از بعد اخلاقی و ارزشی.....	۱۳
ب: سودجویی از بعد علمی.....	۱۵
۱۲-۲. آزادی اقتصادی.....	۱۸
۱۲-۳. فقر و غنا.....	۱۹
۱۲-۴. توسعه و رفاه.....	۲۱
۱۳- انسان اقتصادی از دیدگاه اسلام.....	۲۲
۱۴. اخلاق اقتصادی.....	۲۴
فصل دوم: اخلاق کسب درآمد.....	۲۶
مقدمه.....	۲۶
۱. معنای کسب.....	۲۷
۲. درآمد.....	۲۷
۳. شکل حقوقی مالکیت درآمد.....	۲۸
۴. اصول اخلاقی حاکم بر کسب درآمد.....	۲۸
۴-۱. اصل اعتدال.....	۲۹
۴-۱-۱. علل تفریط و کوتاهی انسان در کسب درآمد.....	۳۱
۴-۱-۲. علل افراط و زیاده روی انسان در کسب درآمد.....	۳۳
۴-۱-۳. آثار و عواقب افراط و زیاده روی در کسب مال.....	۳۵
۴-۱-۴. دیدگاه اسلام درباره فاصله طبقاتی.....	۳۸
۴-۱-۵. پیامدها و آثار تکاثر.....	۴۰
۴-۱-۶. آثار فقر.....	۴۱
۴-۱-۷. راهکارهای مقابله با تکاثر و فقر.....	۴۴
الف-تحکیم ارزشهای اصیل.....	۴۴
ب: در هم شکست ارزشهای تکاثری.....	۴۶
ج) تبیین وظایف اغنیاء.....	۴۸
د) تبیین وظایف فقرا.....	۵۱

۵۳	۲-۴. اصل حلیت.....
۵۴	۱-۲-۴. فضائل کسب حلال.....
۵۷	۲-۲-۴: آثار و پیامدهای کسب حرام.....
۵۹	۳-۲-۴. انواع درآمدهای حرام.....
۶۰	۱. رشوه.....
۶۱	الف: حکم رشوه.....
۶۲	۲- ربا.....
۶۲	الف: فلسفه تحریم ربا.....
۶۳	ب: آثار زیانبار ربا.....
۶۵	۳- غش.....
۶۵	الف: مصادیق غش.....
۶۹	۴- احتکار.....
۶۹	الف: مصادیق احتکار.....
۷۰	ب: حکم احتکار.....
۷۱	ج: مجازات محتکر.....
۷۱	د: برخی از آثار شوم احتکار.....
۷۲	۵- کسب در آمد از راه تولید کالاهای حرام.....
۷۳	الف: اصول و ضوابط تولید.....
۷۴	۶- کم فروشی.....
۷۵	۷- غنای و موسیقی حرام.....
۷۵	الف: فلسفه تحریم غنا.....
۷۶	۸- مجسمه سازی.....
۷۷	۳-۴ هدفمندی و انگیزه سالم.....
۷۸	الف: انجام وظایف عبادی.....
۷۸	ب: تامین نیازهای مادی.....
۷۹	ج: رسیدن به رفاه نسبی.....

۷۹ مشارکت در خدمات اجتماعی
۸۰ ۴-۴ اصل توجه به معنویات
۸۳ ۵-۴ حفظ منابع طبیعی و محیط زیست
۸۵ ۶-۴ اصل وجدان کاری
۸۵ الف: عوامل مؤثر بر وجدان کار
۸۸ ۷-۴ اصل تخصص
۹۲ فصل سوم اخلاق هزینه
۹۲ ۱- اصول اخلاقی حاکم بر هزینه:
۹۲ ۱-۱ اصل نیاز
۹۳ الف (مفهوم شناسی نیاز
۹۳ ب) نیاز های کاذب
۹۳ ۱- نیاز های ناشی از خواسته های نفس
۹۵ ۲- نیاز های ناشی از تبلیغات
۹۵ ۳- نیاز های ناشی از شأن های اعتباری
۱۰۰ ۲-۱ توجه به اولویتهای
۱۰۵ ۳-۱ اصل تقدیر معیشت
۱۰۷ ۴-۱ اصل اعتدال
۱۰۸ الف: معیار های اعتدال
۱۰۹ ب: آثار مثبت اعتدال
۱۱۱ ۵-۱ اصل عدم اسراف و تبذیر
۱۱۲ ۱-۵-۱ فرق بین اسراف و تبذیر
۱۱۳ ۲-۵-۱ معیار حد اسراف
۱۱۵ ۳-۵-۱ حکم اسراف
۱۱۶ ۴-۵-۱ فلسفه تحریم اسراف
۱۱۸ ۵-۵-۱ عوامل اسراف
۱۲۰ ۶-۵-۱ مصادیق اسراف و تبذیر

۱-۵-۷ آسیب شناسی اسراف و تبذیر.....	۱۲۵
۱-۵-۸ درمان شناسی اسراف و تبذیر.....	۱۲۵
۱-۶-۶ اصل انفاق مازاد درآمد.....	۱۲۸
۱-۶-۱ انفاقهای واجب.....	۱۲۹
الف: زکات.....	۱۲۹
ب: خمس.....	۱۳۰
۱- فلسفه تشریع خمس.....	۱۳۱
۱-۶-۲ انفاقهای مستحب.....	۱۳۲
ب: اطعام.....	۱۳۲
ج: قرض.....	۱۳۲
د: وقف.....	۱۳۳
ه: هبه و هدیه.....	۱۳۴
۱-۶-۳ شیوه های ترغیب به انفاق.....	۱۳۵
۱-۶-۴ آداب انفاق.....	۱۳۷
نتیجه:.....	۱۴۰
فهرست منابع و مأخذ.....	۱۴۱

مقدمه

الف: طرح مسئله

رشد و پیشرفت اقتصادی، همراه با سالم سازی فعالیتها و مقابله با مفاسد از اهداف مهم نظام اقتصاد اسلامی می‌باشد.

برای تحقق این هدف مهم از راهکارهای کارآمد اسلام در این باره آمیختن ارزشهای اخلاقی با اقتصاد است. که با عملی شدن این راهکار، سعادت و خوشبختی دنیوی و اخروی انسان فراهم می‌گردد. پس جامعه اسلامی از یک سو نیازمند اقتصادی رشد یافته هست تا نیازهای مادی افراد جامعه تحقق یابد و از سوی دیگر نیازمند تقویت ارزشهای اخلاقی می‌باشد، تا فعالیتهای اقتصادی افراد از مفاسد به دور باشد و سعادت اخروی افراد تامین گردد.

از جمله بحثهای مهم در اقتصاد اسلامی بحث «کسب درآمد» و «هزینه» می‌باشد و درآموزه‌های دینی ما توجه بیشتری به این بحث شده است و در کتاب‌های فقهی و اخلاقی به این موضوع پرداخته شده است. بی شک اگر آموزه‌های دینی در «کسب درآمد» و «هزینه» به مرحله عمل گذاشته شود بسیاری از مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه از بین خواهد رفت.

ب: ضرورت تحقیق

نخست آن که عناصر اخلاقی – اقتصادی، که در این پژوهش به آن پرداخته شده است در صورت تحقق می‌تواند تحولی عظیم در عرصه اقتصاد و نیز فرهنگ ایجاد نماید. دوم اینکه تا کنون در این موضوع پژوهشی انجام نگرفته است و این پژوهش می‌تواند گامی در این راه به شمار آید.

ج: هدف

اثبات فوائد انسانی و معنوی ناشی از کاربرد شیوه‌های اخلاقی در عرصه اقتصاد و دنیای امروز می‌باشد تا بهداشت ایده‌ال اقتصادی در سطوح خرد و کلان جوامع امروزه بشری به دست آید.

د: سوال اصلی:

از نظر منابع اسلامی رفتارهای اخلاقی مربوط به کسب درآمد و هزینه چگونه باید باشد؟

ه: سوالات فرعی:

- اخلاق چه تاثیری در اقتصاد دارد؟
- این آثار در چه ابعادی مطرح می‌شود؟
- به چه شیوه‌ای می‌توان اخلاق اقتصادی را در جامعه نهادینه کرد؟

و: فرضیه‌ها

- آموزه‌های دینی ضمن توجه به نیازهای مادی و مالی انسان، تاکید ویژه‌ای بر ابعاد معنوی و اخروی آنها دارد و راه برخورداری از مواهب مادی و معنوی را تبیین می‌کند.
- بسیاری از رفتارهای اخلاقی از عوامل پیدایش رفتارهای اقتصادی به شمار می‌آید.
- اثرات اخلاق در اقتصاد در تقسیم اولیه در دو بعد اخروی و دنیوی مطرح و در بعد دنیوی در آثار اجتماعی سیاسی فرهنگی و.... طرح می‌شود.

ز: پیشینه موضوع:

علی‌رغم اینکه یکی از موضوعات مهم در اقتصاد اسلامی «اخلاق کسب درآمد و هزینه» می‌باشد با این حال پژوهشی در این باره صورت نگرفته است. اما تحقیقات و پژوهش‌های در ارتباط با این موضوع صورت گرفته است؛ برخی از نویسندگان «پیوند اخلاق و اقتصاد» را مطرح کرده‌اند^۱، و برخی آموزه‌های دینی را در بخشهایی خاص مورد توجه قرار داده‌اند،^۲ و بیشتر فقها نیز در مورد درآمدهای حلال و حرام و آداب تجارت بحث کرده‌اند.^۳

^۱ - برای نمونه نک: سن، آمارتیا، اخلاق و اقتصاد.

^۲ - برای نمونه نک: حکیمی، محمد، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی؛ صنعتکار، حسن، اخلاق در بازار؛ حائری، محسن، اندیشه‌های اقتصادی در نهج‌البلاغه.

^۳ - برای نمونه نک: انصاری، مرتضی، المکاسب؛ طباطبایی، سید علی، ریاض المسائل.

فصل اول

کلیات و مبانی تحقیق

فصل اول: کلیات و مبانی تحقیق

۱. مفهوم اخلاق

واژه «اخلاق» جمع «خُلُق» و «خُلُق» در لغت به معنای سبیه و ویژگی^۱ و همچنین به معنای مروت و دین آمده است. و در اصطلاح علمای اخلاق، ملکه‌ای نفسانی است که باعث می‌شود افعال به آسانی و بی‌درنگ از انسان صادر شود.^۲

از دیدگاه جامعه‌شناسان، اخلاق عبارت است از مجموعه هنجارها و ارزشهایی که در جامعه معتبر شناخته می‌شود و مخالفت با آن موجب مواجه شدن فرد با اجبار و الزام اجتماعی می‌شود.^۳

۲. مفهوم اقتصاد

اقتصاد در لغت از ریشه «قصد» به معنای استقامت در راه^۴ و نیز به معنای میانه روی و پرهیز از افراط و تفریط در هر کاری می‌باشد.^۵

این کلمه و مشتقات آن در قرآن به معنی راست و متوسط و معتدل بکار رفته است.^۶ به عنوان نمونه خداوند در آیه ۱۹ سوره لقمان می‌فرماید: «و اقصد فی مشیک و اغضض من صوتک» در راه رفتن معتدل باشد و صدایت را آهسته کن.

و در سوره توبه آیه ۴۲ می‌فرماید: «لو کان عرضا قریبا و سفرا قاصدا لا تبعوک» اگر خواسته تو مالی زود رس و آسان بود حتما از تو پیروی می‌کردند.

و در سوره نحل آیه ۹ می‌فرماید: «و علی الله قصد السبیل و منها جائزٌ و لو شاء لهداکم اجمعین» هدایت به راه راست بعهده خداست و بعضی از راه‌ها از حق منحرف‌اند اگر خدا می‌خواست همه شما را اجبارا هدایت می‌کرد.

و در سوره فاطر آیه ۳۲ می‌فرماید: «فمنهم ظالم لنفسه و منهم مقتصد و منهم سابق بالخیرات» مقتصد و معتدل و متوسط میان ظالم و سابق بخیرات است.

^۱ - افریقی، ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۸۶؛ طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۱۵۷.

^۲ - شبیر، عبد الله، الاخلاق، ص ۲۵؛ فیض کاشانی، محسن، الحقائق، ص ۵۹.

^۳ - دور کیم، امیل، قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد کاردان، ص ۵۷.

^۴ - افریقی، ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۳۵۳، راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۶۷۲.

^۵ - افریقی، ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۳۵۴.

^۶ - قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۶، ص ۸-۹.

امروزه واژه «اقتصاد» را به عنوان معادل کلمه لاتینی «اکنومی» (Economy) بکار می‌برند. این واژه از دو کلمه یونانی «اویکوس» (oikos) به معنای خانه و «نمین» (namin) به معنای اداره کردن تشکیل شده است که در لغت به معنای «تدبیر منزل» و «اداره کردن خانه» می‌باشد.^۱

۳. علم اقتصاد

اقتصاد علمی است که پدیده‌ها و رخداد‌های زندگی اقتصادی انسانها را بررسی و پس از شناخت روابط حاکم بین آنها، چگونگی استفاده از منابع تولیدی را برای تأمین نیازمندی‌های اقتصادی و بهبود وضعیت جامعه ارزیابی می‌کند.^۲

۴. مکتب اقتصادی

مجموعه‌ای هماهنگ از نظریه‌های اقتصادی است که با توجه به اصول ارزشهای مورد نظر جامعه، با هدف حل مشکل اقتصادی شکل می‌گیرد. بنابر این، مکتب اقتصادی اسلام شامل نظریاتی است که از اصول ارزشهای اسلامی برخاسته است و مبنای حقوق، قوانین، مقررات و سیاست گذاری‌های اقتصادی می‌باشد.^۳

تفاوت مکاتب مختلف و نظریات متفاوت آنها ناشی از اصول و ارزشهایی است که بر اساس آن شکل گرفته‌اند.

مکتب اقتصادی اسلام با در نظر گرفتن مجموعه احکام، مقررات شرعی، مفاهیم و بینش‌های اسلامی، توسط دانشمندان دینی (فقها) در چارچوب روش اجتهاد به دست می‌آید اهداف مورد نظر مکتب و ابزارهایی که ارائه گردیده همگی در درون احکام و مفاهیم مذکور قابل ملاحظه است.^۴

اسلام، سرمایه‌داری و سوسیالیسم از مهمترین مکاتب اقتصادی به شمار می‌رود. مکتب اقتصادی بر خلاف علم اقتصاد - که به تجزیه و تحلیل «هسته‌های اقتصادی و کشف علل و عوامل آن می‌پردازد - مجموعه‌ای از اصول اساسی شامل «بایدها» و «نبایدهای» کلی در زمینه‌های تولید، توزیع و مصرف است که از مسائل جهان بینی نشأت می‌گیرد.^۵

^۱ - هادوی، مهدی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، ص ۴۸؛ احمدی، مسعود، کلیات اقتصاد (خرد - کلان)، ص ۱۱.

^۲ - کرمی، محمد مهدی و پورمند، محمد، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، ص ۱۰.

^۳ - همان، ص ۱۰.

^۴ - همان، ص ۱۱.

^۵ - ایروانی، جواد، اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، ص ۲۵.

۵. حقوق اقتصادی

بعضی از صاحب نظرات، مکتب اقتصادی و حقوق اقتصادی را به اشتباه یکی دانسته‌اند، در صورتی که حقوق اقتصادی مجموعه‌ای از احکام و مقررات اقتصادی است که هماهنگ و در ارتباط با مکتب اقتصادی تنظیم شده‌است و این ارتباط به گونه‌ای است که با دقت در هر یک از مکتب یا حقوق مذکور می‌توان به دیگری پی برد؛ برای مثال با مراجعه به احکام و حقوق اقتصادی اسلام می‌توان اصول کلی مکتب اقتصادی اسلام را با بهره‌گیری از روش اجتهاد استنباط کرد. پس حقوق اقتصادی مبتنی بر اصول کلی مکتب و متناسب با ساختار کلی آن تشریع شده است. به عبارت دیگر مکتب اقتصادی زیر بنا و حقوق اقتصادی رو بناست. فقه اسلامی به ویژه فقه الاقتصاد که مبانی آن در این مکتب بررسی می‌شود در برگیرنده مجموعه حقوق اقتصادی است که علاوه بر احکام و قوانین اقتصادی، از آثار حقوقی آنها نیز بحث می‌کند.^۱

۶. نظام اقتصادی

نظام اقتصادی به مجموعه‌ای از نهادهای اقتصادی گفته می‌شود که اهداف معینی را دنبال می‌کنند. منظور از نهاد اقتصادی هر نوع هنجار، سنت تثبیت شده و یا قاعده جا افتاده در امور اقتصادی است. رابطه کارگر و کارفرما، مالیات و حتی پول، نهاد اقتصادی محسوب می‌شود.^۲

– نظام اقتصادی اسلام

نظام اقتصادی اسلام به مجموعه‌ای از نهادهای جهان شمول گفته می‌شود که با یکدیگر روابط خاص دارند و به صورت هماهنگ و منظم و بر اساس مبانی مکتبی و در جهت اهداف اقتصادی اسلام سامان یافته‌اند.

نهاد در این اصطلاح به الگویی از روابط افراد، سازمانها و عناصر دخیل در حوزه اقتصاد گفته می‌شود که دین در صدد تثبیت آن در جامعه می‌باشد. برای مثال نهاد مشارکت الگویی، از رابطه‌ی صاحبان سرمایه با صاحبان نیروی کار و نهاد قرض الحسنه، الگویی از رابطه صاحبان مازاد در آمد با نیازمندان است.^۳

^۱ - کرمی، محمد مهدی و پورمند، محمد، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، ص ۱۱-۱۲.

^۲ - دادگر، بد الله و رحمانی، تیمور، مبانی و اصول علم اقتصاد، ص ۴۲-۴۳.

^۳ - هادوی، مهدی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، ص ۴۶.